

مجلهٔ زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، سال چهاردهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، شمارهٔ پیاپی ۲۹

رویکرد شناخت‌گرایی به مکان در لایهٔ جهان متن کرسی اثر شیرکو بیکس: تحلیلی بر پایهٔ انگارهٔ جهان‌های متن

بهمن حیدری دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

عمر قیطوری دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران
مسعود دهقان دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشکدهٔ زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان، سنندج، کردستان، ایران (نویسندهٔ مسئول)

صص: ۷۸-۱۰۰

چکیده

پژوهش حاضر نه تنها ارائهٔ اولین مطالعهٔ کامل دربارهٔ یک شاعر گُردزبان با استفاده از نظریهٔ جهان‌های متن است، بلکه نخستین ارائه از نحوهٔ شکل‌گیری مکان جهان متن کرسی اثر شیرکو بیکس بر پایهٔ نظریهٔ جهان‌های متن است که به روش توصیفی-تحلیلی و با هدف دست‌یابی به مکان جهان متن کرسی انجام شده است. داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و از متن کرسی اثر شیرکو انتخاب و گردآوری شده‌اند. بررسی شکل‌گیری مکان جهان متن کرسی با استفاده از عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر نشان داد که مکان جهان متن کرسی از رهگذر نام‌مکان‌ها و در غیاب نام‌مکان‌ها از رهگذر عناصر جهان‌ساز زمان و شخصیت بازنمایی می‌شود. همچنین، بخشی از بازنمایی مکان جهان متن کرسی از رهگذر گروه‌های فعلی گزاره‌های نقش‌گستر حاصل می‌شود. علاوه بر این، بازنمایی مکان در جهان متن کرسی، شواهد شناختی-شعری برای حمایت از ادعای وی مبنی بر اینکه مکان و اسامی سطح وسیعی از آثار او را در برگرفته‌اند، ارائه داد.

کلیدواژه‌ها: انگارهٔ جهان‌های متن، عناصر جهان‌ساز، گزاره‌های نقش‌گستر، شیرکو بیکس، کرسی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

پست الکترونیکی: 1. bahmanhaidari90@gmail.com 2. gheitury@gmail.com
3. m.dehghan@uok.ac.ir

۱. مقدمه

هسته شعری و فکری شیرکو بیکس (۱۹۴۰-۲۰۱۳) شاعر نوپرداز گُرد را عناصر انگشت‌شماری شکل می‌دادند که از آن جمله می‌توان به عناصر طبیعت، خاک و آزادی اشاره کرد (نظریگی، ۱۳۹۲). از میان این سه عنصر آنچه که برای جستار پیش‌رو حائز اهمیت و قابل توجه است؛ عناصر طبیعت و خاک هستند که در این پژوهش معادل عنصر بزرگ مکان در نظریه جهان‌های متن^۱ (ورث، ۱۹۹۹) در نظر گرفته شده‌اند. شیرکو بیکس مکان را از عوامل بسیار مهم در نوگرایی شعرش به حساب می‌آورد، به گونه‌ای که در همه‌جای آثارش از جاها و مکان‌ها سخن می‌راند و نام اشخاص، مکان‌های تاریخی و جغرافیایی، حتی اگر نام محله‌ای کوچک بود، تشخیص و عظمت پیدا می‌کردند (مرادی، ۱۳۹۲). اگر مکان را از آثار او بگیریم چیزی جز خلاء باقی نمی‌ماند. مثال‌های زیادی در اکثر آثارش وجود دارد که نشان می‌دهد مکان در شعرهای او تأثیر زیادی داشته است. در همین رابطه، او در پیش‌گفتار برگردان کتاب کرسی به زبان فارسی آورده است که «مکان و اسامی در آثار من سطح وسیعی را در برگرفته‌اند. راستش من [شیرکو] بدون استفاده از سه عنصر طبیعت، اسم و مکان نمی‌توانم بنویسم» (شاسواری، ۲۰۱۳: ۱۱).

علی‌رغم این که پژوهش بر روی آثار شیرکو در محافل پژوهشی ایران از سال ۱۳۹۲ آغاز شد، هنوز پژوهشی که به‌طور ویژه به بررسی شناسایی ویژگی‌های ارکان اصلی یا به عبارتی هسته شعری و فکری شیرکو پرداخته باشد، انجام نشده است. شایان ذکر است که یکی از ارکان اصلی شعر شیرکو عنصر جهان‌ساز مکان است. بنابراین، با توجه به اهمیت این عنصر در آثار وی این پرسش مطرح می‌شود که بازنمایی عنصر جهان‌ساز مکان در جهان متن کرسی چگونه صورت گرفته است؟ در این راستا، ورث (۱۹۹۹) شکل‌گیری عنصر مکان در جهان متن را از رهگذر عنصر جهان‌ساز^۲ مکان در سطح جهان متن نظریه جهان‌های متن مطرح کرد. همچنین، لاهی^۴ (۲۰۰۶) ساخت مکان در جهان متن را علاوه بر عنصر جهان‌ساز مکان از رهگذر دیگر عناصر جهان‌ساز مانند اشخاص، اشیاء، زمان و حتی گزاره‌های نقش‌گستر^۵ نیز به

1- Text worlds theory

2- P. Werth

3- world-building element

4- E. Lahey

5- function- advancing propositions

دست داد. به دیگر سخن در یک گفتمان، مکان یک جهان متن یا به‌طور صریح از نظر زبانی ذکر می‌شود و یا اینکه به‌طور صریح بیان نمی‌شود و باید از طریق مجموعه‌ای از سرنخ‌های زبانی کمتر صریح بازنمایی کرد. بنابراین، در پژوهش حاضر علاوه بر اینکه شکل‌گیری مکان در جهان متن کرسی از رهگذر عنصر جهان‌ساز مکان با استفاده از گزوه‌های اسمی با معنای مکان‌نما بر اساس یافته‌های ورث (۱۹۹۹) بررسی شده است، امکان شکل‌گیری آن از رهگذر سایر عناصر جهان‌ساز مانند: اشخاص، اشیاء، زمان و گزاره‌های نقش‌گستر بر اساس یافته‌های لاهی (۲۰۰۶) نیز مورد واکاوی و بررسی قرار گرفته است. در ادامه، پیش از بررسی نحوه شکل‌گیری ساخت مکان در جهان متن کرسی بر اساس نظریه جهان‌های متن (ورث، ۱۹۹۹ و لاهی، ۲۰۰۶)، ابتدا به پیشینه پژوهش و روش‌شناسی پژوهش و سپس چارچوب انگاره جهان‌های متن، به‌ویژه در مورد ساخت مکان در جهان متن خواهیم پرداخت و در بخش پایانی نیز نحوه شکل‌گیری مکان در جهان متن کرسی بر اساس عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر بررسی خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

در هیچ‌یک از پژوهش‌های صورت گرفته پیشین که توسط پژوهشگران ایرانی بر اساس نظریه جهان متن انجام شده، به‌طور ویژه به عنصر جهان‌ساز مکان پرداخته نشده است و در کل عنصر مکان را در کنار سایر عناصر جهان‌ساز مورد بررسی قرار داده‌اند. در ادامه، به معرفی برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه خواهیم پرداخت.

صادقی اصفهانی (۱۳۸۹) در بخشی از مقاله «بررسی عناصر جهان متن بر اساس رویکرد بوطیقای شناختی در یوزپلنگانی که با من دویده‌اند اثر بیژن نجدی» به شناسایی عناصر جهان‌ساز و نقش‌گستر در ساخت روایت داستان‌های نجدی پرداخت. او برای بررسی چگونگی عملکرد جهان‌سازها در متن و ذهن خواننده و همچنین نقش گزاره‌های نقش‌گستر برای ساخت جهان متن به بررسی بند آغازین داستان سپرده به زمین پرداخت.

گلفام و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «کاربرد نظریه جهان متن در شناسایی عناصر سازنده متن روایی داستان شازده اجتحاب؛ بر مبنای رویکرد شعرشناسی شناختی» به شناسایی عناصر

جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر برای شناخت جهان‌های مختلف موجود در داستان شازده احتجاب بر اساس نظریه جهان‌های متن پرداختند.

افراشی (۱۳۹۵) در بخشی از مقاله «تحلیل داستان در نظریه جهان‌های متن: مطالعه موردی وداع اثر جلال آل احمد» به معرفی انواع عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر پرداخت. او ملال‌آور بودن فضای داستان را ناشی از مشخص‌بودن عناصر جهان‌ساز زمان و مکان در همان ابتدای بند اول داستان عنوان کرد.

دهقان و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «شناسایی عنصر سازنده متن در داستان قضیه داستان باستانی یا رومان تاریخی» عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر در ۹ بند از داستان مذکور را بررسی کردند و نشان دادند که عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر در ساخت جهان متن شخصیت اول داستان نسبت به جهان‌های متن دیگر شخصیت‌های داستان بیشتر است.

همچنین، در میان پژوهش‌های صورت‌گرفته بر اساس انگاره جهان‌های متن توسط پژوهشگران غیرایرانی، تنها لاهی (۲۰۰۶) به‌طور ویژه به عنصر مکان بر اساس لایه جهان متن در این انگاره پرداخته است. لاهی (۲۰۰۶) در مقاله «بازاندیشی در جهان‌سازها: مکان‌یابی جهان متن غزلیات کاندایی» با تکیه بر تحلیل ساخت مکان جهان متن در شعر کاندایی به بررسی عنصر بزرگ مکان پرداخت. وی دیدگاه ورث (۱۹۹۹) در مورد نقش گروه‌های اسمی در فرایند ساخت جهان را ناقص برشمرد و نشان داد که تمایز بین عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر آن‌طوری نبود که ورث در نظر داشت.

گاوینز^۱ (۲۰۰۷) در پژوهش با عنوان *پیش‌درآمدی بر نظریه جهان متن* در دو فصل جداگانه به‌طور مفصل به بحث عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر پرداخت. وی به بررسی چگونگی تسهیل فرایند ساخت جهان‌های متن به‌وسیله عناصر جهان‌ساز با استفاده از یک فایل صوتی راهنما و گزیده‌هایی از داستان‌های منشور ادبی پرداخت و سپس در به چگونگی مفهوم‌سازی کنش‌ها، رویدادها و سایر فریندهای توصیف‌شده در یک گفتمان با استفاده از سه گزارش مختلف از یک مسابقه فوتبال که از سه منبع متضاد گرفته شده بودند، پرداخت.

1- J. Gavins

جووانلی^۱ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان *نظریه جهان متن و شعر کیتس: شعرشناسی شناختی میل، رویاها و کابوس‌ها* به بازنمایی عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر برخی از اشعار کیتس^۲ پرداخت.

گاوینز و لاهی (۲۰۱۶) در کتاب *گفتمان جهان‌ساز در ذهن برخی از جدیدترین کارها* در زمینه درک چگونگی عملکرد جهان‌سازها و بررسی روابطی که بین جهان واقعی، متن و بازنمایی ذهنی وجود دارد را گرد هم آوردند و قابلیت‌های رویکردهای مبتنی بر جهان را برای گفتمان به نمایش گذاشتند.

لاهی (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان *زبان در مکان: دیدگاه‌های سبکی در مورد منظر، مکان و محیط* به تجزیه و تحلیل دو شعر از شاعر کانادایی آلدن نولان^۳ که در راستای همان پژوهش پیشین او (لاهی، ۲۰۰۶) بود، پرداخت. یافته‌های پژوهش او شواهدی از محدودیت‌های نظر ورث از مکان در رابطه با منظر جهان متن و همچنین اهمیت اسامی عام غیر مکانی در ساخت جهان را نشان داد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

ماهیت روش انجام این پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها به روش کتابخانه‌ای از کتاب کرسی اثر شیرکو که به زبان گُردی سورانی و با استفاده از چهار ژانر مختلف ادبی اعم از شعر، قصه، نثر و نمایشنامه به نگارش در آمده است، گردآوری شده‌اند. روش بررسی فرضیه‌ها و یا پاسخگویی به پرسش‌ها با توجه به ماهیت اثر و همچنین ماهیت انگاره جهان‌های متن صورت گرفته است. با در نظر گرفتن ماهیت اثر که در آن ژانرهای مختلف ادبی در جریان هستند و با گذر متن از یک ژانر و ورود به ژانرهای بعدی همچنان انسجام درون‌متنی حفظ می‌شود و خللی در معنا ایجاد نمی‌شود. بنابراین، از آن جایی که انسجام درون‌متنی اثر با وجود استفاده از چند ژانر مختلف ادبی در آن همچنان حفظ می‌شود، بررسی و تحلیل چنین متنی در چارچوب انگاره جهان‌های متن از کارایی مناسبی برخوردار است و همچنین چون این انگاره یک نظریه بافت-مبنا است، از میان کارهای شیرکو انتخاب کرسی برای این پژوهش به جهت

1- M. Giovanelli

2- Keats

3- A. Nowlan

این بود که بعد از انتشار این اثر تا حدودی بافت آن به واسطهٔ مصاحبه‌ای که از او در مجلهٔ گوه‌ران (۱۳۸۶) منتشر شد، مشخص شده بود. در این جستار، برای ایجاد درک درستی از نحوهٔ شکل‌گیری مکان جهان متن کرسی از نمودار جهان متن در بررسی داده‌ها استفاده شده است.

۱-۳ نگاهی به شیرکو بیکس شاعر گُردزبان

بی‌شک هرگاه در مورد ادبیات گُرد و به‌ویژه شعر گُردی سخنی گفته شود، اولین چیزی که در ذهن مخاطب تداعی می‌شود، نام شیرکو بیکس است. شیرکو که در زیر سقفی از شعر در شهر سلیمانیه در سال ۱۹۴۰ متولد شد، پسر شاعر معروف گُرد فایق بیکس بود. در سال ۱۹۶۸ اولین مجموعه شعرش را در شهر بغداد منتشر کرد و در سال ۱۹۷۰ با انتشار بیانیهٔ موسوم به روانگه (دیدگاه) موج دوم نوگرایی در شعر گُردی را پدید آورد. در نیمهٔ اول دههٔ هفتاد منظومه‌های *کاوه آهنگر* (۱۹۷۱)، *آهو* (۱۹۷۶) را در قالب نمایشنامه نوشت و سپس به خلق *درهٔ پروانه‌ها* (۱۹۹۱)، *بوی نامه* (۱۹۹۸)، *صلیب و مار و روزشمار یک شاعر* (۱۹۹۸)، *رنگ‌نامه* (۲۰۰۱)، *مهمان پاییزی* (۲۰۰۲)، *صندلی* (۲۰۰۵)، *گردنبند* (۲۰۰۷) پرداخت. شیرکو بیکس با آگاهی از این واقعیت که ظرف شعر قادر به بیان عمق فجایع اخیری که بر گُردها گذشته است، نیست قالب رمان‌شعر یا قصیده‌شعر را برگزید که پیش از او کسی در ادبیات گُردی به این کار مبادرت نورزیده بود. در نوشتن متن کرسی، شیرکو با بهره‌گیری از چهار نوع ژانر مختلف ادبی به بازنمایی مفاهیمی همچون «طبیعت»، «فاجعه انسانی حلبچه» و «انفال» همت گمارد. سبک نوشتاری کرسی حاصل تجربه‌ای بود که او پیشتر در کارهایی مانند *درهٔ پروانه‌ها* (۱۹۹۱) و *صلیب و مار و روزشمار یک شاعر* (۱۹۹۸) به کار گرفته بود. وی، همچنین، برای فاصله گرفتن از تک‌صدایی و رسیدن به چندصدایی و همچنین به‌خاطر نزدیکی بیشتر به مردم، کاربست چند ژانر مختلف ادبی در متن کرسی را به کار گرفت.

متن کرسی از آغاز تا پایان روایتی است که از به دنیا آمدن کرسی شروع و با مرگ وی پایان می‌پذیرد. در کرسی در جاهایی شعر را می‌بینی و در مقاطعی دیگر نثر و در قسمتی دیگر قصه و در مرحله‌ای هم نمایشنامه و حتی گزارش‌های روزنامه‌نگاری و گفتگوهای عادی و کلام محض هم در آن جای می‌گیرد (شاسواری، ۲۰۱۳: ۸) و در جایی که لازم است، نویسنده برخورد داستانی داشته است (بیکس، ۱۳۸۶: ۴۶). به‌طور خلاصه در این اثر شعر، نثر، نمایشنامه

و داستان در گذرند و تمام بخش‌های آن با رشته‌ای از خاطره‌ها که توسط خود کرسی روایت می‌شود، به هم پیوند خورده‌اند. او با گشودن مرزهای مسدود شعر، پیوندی طبیعی با سایر ژانرهای ادبی برقرار کرد به نحوی که خود او برای متن حاصل از چنین آمیزه‌ای، عنوان متن باز را برگزید (ورزنده، ۱۴۰۰: ۳۸۶). با ترجمه آثارش به دیگر زبان‌ها شهرتی جهانی یافت و در سال ۱۹۸۸ برنده جایزه خانه قلم سوئد (کورت توخولسکی)^۱ شد و لقب همشهری از کشور ایتالیا را دریافت کرد و از سال ۱۹۸۸ برخی از اشعارش هم در کتاب‌های درسی دانش‌آموزان ایالات متحده آمریکا، کانادا و بسیاری از کشورهای اروپایی گنجانده شد (کریم‌مجاور، ۱۳۹۶: ۱۰). در سال ۱۹۹۸ مؤسسه انتشاراتی سردم (زمان) را در شهر سلیمانیه راه‌اندازی کرد و در سال ۲۰۰۱ جایزه پیرمرد را دریافت کرد. بعد از خلق نزدیک به ۵۰ اثر، بالاخره در سال ۲۰۱۳ در کشور سوئد چشم از جهان فرو بست و بنابر وصیتش در پارک آزادی شهر سلیمانیه به خاک سپرده شد.

۴. انگاره جهان‌های متن

انگاره جهان‌های متن، یک نظریه زبان‌شناسی شناختی ساخت-معنا است که تلاش می‌کند چگونگی بازنمایی محتوای یک گفتمان را در ذهن شرکت‌کنندگان گفتمان نشان دهد (لاهی، ۲۰۲۱: ۴۶). کار ورث بر روی این نظریه در سال ۱۹۹۹ با انتشار کتاب *جهان‌های متن: بازنمایی فضای مفهومی در گفتمان*^۲ که پس از مرگ وی انتشار یافت، به اوج خود رسید و از آن زمان به بعد این نظریه از طریق کار سایر پژوهشگران به رشد و شکوفایی رسید (لاهی، ۲۰۰۳: ۷۴). از آنجایی که این اثر اساساً برای توضیح انگاره جهان‌های متن طراحی شده بود و نه برای نشان‌دادن اصول آن در عمل، کاربست آن توسط پژوهشگران بعد از ورث موجب شد تا اصلاحاتی در برخی از ارکان اصلی نظریه به‌وجود آید. یکی از این اصلاحات به نقش عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر در شکل‌گیری مکان جهان متن بر می‌گشت که توسط لاهی (۲۰۰۶) پیشنهاد شد. در این پژوهش قبل از پرداختن به این موضوع، ابتدا ساختار معماری انگاره جهان‌های متن مطرح خواهد شد. این انگاره در حالی که پایه‌های خود را در

1- K. Tucholsky

2- Text Worlds: Representing Conceptual Space in Discourse

نظریه‌های جهان‌های ممکن استوار کرد، یکی از نظریه‌های مشابه پردازش گفتمان است که در چند دهه گذشته در سبک‌شناسی پدید آمده است (لاهی، ۲۰۰۳: ۷۴-۷۵).

فرض اصلی انگاره جهان‌های متن این است که هرگاه در یک گفتمان شرکت می‌کنیم (که صرفاً به عنوان ترکیبی از یک متن و بافت مربوط به آن تعریف می‌شود) پیکربندی شبکه‌ای از فضاها و مفهومی یا جهان‌ها را ایجاد می‌کنیم که با لایه‌های هستی‌شناختی متمایز گفتمان مطابقت دارد (لاهی، ۲۰۱۴: ۲۸۷). این پیکربندی شبکه‌ای از فضاها و مفهومی یا جهان‌ها شامل جهان گفتمان^۱، جهان متن^۲، و جهان‌های زیرشمول^۳ است. سطح خارج یا کلان این پیکربندی، لایه‌ای را تشکیل می‌دهد به نام جهان گفتمان که بازنمایی بافت مکانی زمانی بی‌واسطه‌ای است که گفتمان در آن اتفاق افتاده است (همان) و شامل شرکت‌کنندگان^۴ گفتمان، یک رویداد زبانی (یا گفتمان) طبیعی و همه چیزهایی است که شرکت‌کنندگان می‌توانند درک کنند یا از برداشت‌هایشان استنباط کنند (لاهی، ۲۰۰۶: ۱۴۶). گفتمانی که در جهان گفتمان اتفاق می‌افتد، ساختن لایه بعدی در سامانه نظریه جهان‌های متن؛ یعنی جهان متن را به دنبال دارد. اینجاست که محتوای گفتمان بازنمایی می‌شود؛ پس جهان متن، بازنمایی داستان گفتمان است (ورث، ۱۹۹۵: الف: ۵۳) و شامل عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر می‌شود، به گونه‌ای که عناصر جهان‌ساز باعث شکل‌گیری پس‌زمینه^۵ متن می‌شوند و گزاره‌های نقش‌گستر روایت یا حرکت درون متن را به جلو پیش می‌برند (استاک‌ول^۶، ۲۰۰۲: ۱۳۷). آخرین سطح جهان که ورث پیشنهاد کرد، جهان‌های زیرشمول است. جهان‌های زیرشمول از درون جهان متن سرچشمه می‌گیرند و بر اساس طبقه‌بندی ورث ممکن است سه نوع باشند: جهان‌های زیرشمول اشاره‌ای^۷، که با تغییرات مکانی یا زمانی ایجاد می‌شوند. جهان‌های زیرشمول نگرشی^۸ که با بیان نگرش نشان داده می‌شوند و جهان‌های زیرشمول معرفتی^۹ که با گزاره‌هایی گزاره‌هایی که وجه معرفتی را نشان می‌دهند، نشان داده شده‌اند (ورث، ۱۹۹۹: ۲۱۶).

1- Discourse world

2- Text world

3- Sub-worlds

4- participant

5- background

6- P. Stockwell

7- Deictic sub-world

8- Attitudinal sub-world

9- Epistemic sub-world

از سه لایه معنایی مطرح شده در انگاره جهان‌های متن آن‌چه که در این پژوهش مورد توجه نگارندگان بوده است، لایه جهان متن است. جهان متن برای هر گفتمان معینی از طریق فرایندی از مذاکره ساخته می‌شود که مشارکت‌کنندگان گفتمان را بر دو منبع اصلی ورودی برای چگونگی ساخت جهان متن یاری می‌کند که شامل خود متن و منابع شناختی شرکت‌کنندگان گفتمان می‌شود. متن دو نوع اطلاعات را ارائه می‌دهد که ساخت متناوب جهان متن در حال ظهور را هدایت می‌کنند. ابتدا، متن اطلاعاتی در مورد متغیرهای موقعیتی جهان متن: زمان، مکان، موجودیت‌ها (شخصیت‌ها و اشیاء)، ویژگی‌ها و روابط متقابل ارائه می‌دهد. اطلاعات اشاره‌ای زمان و مکان جهان متن را مشخص می‌کند؛ در حالی که اطلاعات ارجاعی برای معرفی موجودیت‌ها به عنوان موجودات جهان متن و مشخص کردن خواص و روابط بین آن‌ها به کار می‌رود (ورث، ۱۹۹۹: ۵۲). چنین اطلاعات اشاره‌ای و ارجاعی به عنوان جهان‌سازها شناخته می‌شوند، زیرا پس‌زمینه‌ای را ایجاد می‌کند که رویدادهای داستان بر اساس آن به پیش می‌روند. نوع دوم اطلاعات متنی که از ساخت متناوب جهان متن خبر می‌دهد از طریق آنچه به عنوان گزاره‌های نقش گستر شناخته می‌شود، می‌آید. گزاره‌های نقش گستر، گزاره‌هایی هستند که کارکرد (یعنی هدف) گفتمان را که با نوع ثبت گفتمان تعیین می‌شود، برآورده می‌کنند (ورث، ۱۹۹۵ الف: ۵۹). عناصر جهان‌ساز و نقش گستر معمولاً به روش‌های کاملاً متمایز در ساخت اولیه و بسط متناوب یک جهان متن کمک می‌کنند. عناصر جهان‌ساز بافت‌های مکانی‌زمانی را ایجاد می‌کنند، در حالی که نقش گسترها پیش‌بینی‌هایی هستند که کنش‌هایی را که در این بافت‌ها انجام می‌شود بیان می‌کنند. لاهی (۲۰۰۶: ۱۴۸) ادعا کرد که اگرچه تمایز بین این دو عنصر گفتمانی به لحاظ نظری معنا پیدا می‌کند، اما در عمل حداقل تا آنجا که به ایجاد مکان در جهان متن مربوط می‌شود همیشه این‌طور به نظر نمی‌رسد که وظایف مربوط به جهان‌سازها و نقش گسترها به همان وضوحی که ورث پیشنهاد کرد، تفویض شده باشد. در بخش‌های بعدی، ابتدا نحوه شکل‌گیری مکان جهان متن کرسی اثر شیرکو بیکس از عناصر جهان‌ساز مطابق با آرای ورث (۱۹۹۹) و لاهی (۲۰۰۶) توضیح داده خواهد شد و سپس به نحوه شکل‌گیری مکان جهان متن کرسی از گزاره‌های نقش گستر با استفاده از آرای لاهی (۲۰۰۶) خواهیم پرداخت.

۵. بررسی لایه جهان متن در کرسی اثر شیرکو بی‌کس

۵-۱ نحوه ساخت مکان جهان متن کرسی بر اساس عناصر جهان‌ساز

نشانه‌های زبانی موجود در متن که باعث ساخت جهان متن می‌شوند به‌عنوان جهان‌سازها شناخته می‌شوند. جهان‌سازها یا پس‌زمینه جهان متن؛ متغیرهای موقعیتی زمان، مکان، شخصیت‌ها و اشیاء هستند که باعث ساخت لایه جهان متن می‌شوند (ورث، ۱۹۹۹: ۱۸۷-۱۸۰). ورث (۱۹۹۵ الف: ۷۶) فهرست طبقه‌بندی شده‌ای از این عناصر را به شرح زیر ارائه کرد:

لایه جهان متن
عناصر جهان‌ساز
زمان: زمان افعال، قید زمان، بندهای قید زمان
مکان: قیدهای مکان، گروه‌های اسمی با معنای مکان‌نما، بندهای قید مکان‌نما
موجودیت‌ها (شخصیت‌ها و اشیاء) گروه‌های اسمی عینی یا انتزاعی از همه ساختارها و در هر موقعیتی

نمودار ۱- عناصر جهان‌ساز جهان متن (ورث، ۱۹۹۵ الف: ۷۶).

از میان چهار متغیر موقعیتی که برای ایجاد یک جهان متن ضروری هستند، به نظر می‌رسد مکان نقطه شروع طبیعی بحث در مورد ارکان اصلی جهان متن باشد (لاهی، ۲۰۲۱: ۴۸). گروه‌های اسمی و به ویژه گروه‌های اسمی عینی^۱ تعیین می‌کنند که مکان جهان متن از چه چیزی تشکیل شده است، و تصویری غنی از مکان جهان متن ارائه می‌دهند (همان). یکی از راه‌های آشکاری که در آن گروه‌های اسمی با معنای مکان‌نما در ساخت مکان جهان متن کمک می‌کنند، جایی است که از نام مکان‌ها برای اشاره به مکان‌های مشابه در جهان استفاده می‌شود. نام مکان‌ها در اشعار بسته به این که در کجای متن یا پیرامتن شعر ظاهر می‌شوند، کارکردهای گفتمانی متفاوتی دارد. در بدنه اصلی شعرها، به‌عنوان یک جهان‌ساز عمل می‌کنند که اغلب در ساخت جهان‌های اشاره‌ای که با جهان ماتریسی برای متغیر موقعیتی مکان و گاهی اوقات برای زمان در تضاد هستند، کمک می‌کنند. در پی تحلیل عناصر جهان‌ساز متن کرسی مشخص شد که از گروه اسمی نام مکان برای اشاره به شهرها، روستاها، نشانه‌های طبیعی و مناطق جغرافیایی استفاده شده است که در پایین به ترتیب نمونه‌ای از هر یک ارائه می‌شود:

1- concrete noun phrases

1-Sherko Bekas: meni nusæri ʔæm dæqæ, der zæmanæ, / **Lam faræ da**, ʔfon ba yæki ʔet u weti / pexawsi ʔærwal derawi særgærdan, / dem u dæʔm, /...." (Bekas, 2013: 11-12)

۱. شیرکو بیکس: «من نگارنده این سطور دیر زمانیست، / در این شهر، همچون بادی واله و

شیدا/ پابره‌نه، یک لای قبای سرگردان، در رفت و شدم» (شاسواری، ۲۰۱۳: ۱۲).

2-Sherko Bekas: bæ daxæwæ læ **dʒasnæ** jækækjān frokæ koʔti u ʔæwitɾjan rujkræ **hanægærmælæ**” (Bekas, 2013: 23)

۲. شیرکو بیکس: «متأسفانه در **جاسنه** بمب افکن یکی از آنها را/ کشت و دیگری هم به

هانه گرمه کوچ کرد» (شاسواری، ۲۰۱۳: ۵۰)، جاسنه و هانه گرمه از دهات اطراف سلیمانیه

نزدیک شهرک دکان هستند.

3-Sherko Bekas: kate særɳdʒi le ʔædæjɾ/ ʔælej hæwreki beʔkolæj/ sær **sæjwanæ** (Bekas, 2013: 13)

۳. شیرکو بیکس: «وقتی نگاهش می‌کنی/ انگار پاره ابری کوچک و غمگین/ بر فراز

سیوان است» (شاسواری، ۲۰۱۳: ۱۳)، سیوان گورستان سلیمانیه و از تپه‌های اطراف شهر

است.

4-Sherko Bekas: dʒæbæl **hæmrin**” (Bekas, 2013:38).

۴. «**جبل حمیرین**» (شاسواری، ۲۰۱۳: ۱۱۱)، حمیرین رشته‌کوهی در استان دیالی عراق است.

در همه این نمونه‌ها، نام‌مکان‌ها با ایجاد مکان‌های جهان متن در جهان واقعی به فرایند ساخت جهان با استفاده از گروه‌های اسمی عینی کمک می‌کنند. با این حال، این تنها راهی نیست که در آن گروه‌های اسمی به ساخت مکان جهان متن کمک می‌کنند.

راه دیگر که در آن گروه‌های اسمی در ساخت مکان جهان متن کمک می‌کنند، جایی است که در آن مقوله‌های شناختی در جهان‌سازی سهم دارند. ورث (۱۹۹۹) خاطر نشان می‌کند که ایجاد موجودیت یکی از کنش‌های اساسی جهان متن‌سازها است (ورث، ۱۹۹۹: ۱۵۸). گروه-های اسمی بر ایجاد موجودیت‌ها در جهان متن حاکم هستند و به خواننده کمک می‌کنند تا دریابد که جهان متن از چه چیزی تشکیل شده است. برای مثال، در سرآغاز گفتمان کرسی، موجودیت‌های جهان متن از رهگذر گروه‌های اسمی «من نگارنده این سطور» و «یک صندلی» معرفی می‌شوند؛ با این حال یک واقعیت پذیرفته‌شده در علوم شناختی این است که موجودیت‌ها بر اساس آنچه به‌عنوان مقوله‌های شناختی شناخته می‌شوند، سازماندهی می‌شوند.

(استاک‌ول، ۲۰۰۲: ۳۱-۳۲). چنین مقوله‌هایی مرزهای مشخصی برای عضویت ندارند، اما در عوض بر اساس اصل «نمونه‌های خوب یا بد (X)» هستند که بهترین نمونه‌ها نقش پیش‌نمونه‌های مقوله را به عهده می‌گیرند. مقوله‌ها و پیش‌نمونه‌های آن‌ها در جهان به این صورت نیستند، بلکه در ذهن وجود دارند. علاوه بر این، آن‌ها ساختارهای ثابتی در ذهن نیستند که مقدم بر تعامل ما با جهان باشند، بلکه محصول تجربیات بدن‌مندی‌شده^۲ ما از موقعیت‌های مختلف هستند که به روش‌های متفاوتی برای سازماندهی درک ما از جهان نیاز دارند (گیبز^۳، ۲۰۰۳: ۲۹). اگرچه نظریه پیش‌نمونه ادعا می‌کند که در سطح پایه است که بیشترین تعداد تفاوت‌ها بین موجودات قابل تشخیص است، با این وجود به نظر می‌رسد که این سطح زیرشمول است و نه سطح پایه که بیشترین مسئولیت را برای محدود کردن احتمالات برای مکان جهان متن دارد (لاهی، ۲۰۰۶: ۱۵۵). با توجه به نقش گروه‌های اسمی در ساخت مکان‌های جهان متن، ممکن است درجه مکان ارائه‌شده در یک شعر خاص به‌عنوان مکان، به‌طور کامل یا جزئی بر اساس سطح مقوله انتخاب‌شده توسط شاعر یا بر اساس سطح مقوله درک‌شده توسط خواننده باشد. بنابراین، در غیاب نام مکان‌ها، نمونه‌های زیرشمول مقوله‌های سطح پایه، در ترکیب با دانش شرکت‌کننده مربوطه، ممکن است به شناسایی مکان جهان متن کمک کنند. به‌عنوان مثال، در نمونه‌های زیر مکان جهان متن از رهگذر نام شخصیت‌های جهان متن بازنمایی شده است:

نمونه ۱:

bawkem gerajæwæ weti:
dwaj mærgi xatun ʔænbaer bu
læ hææti ʔfel u leq u gælada bum
hawine bu, ɖzarek mæwlæwi rej kæwtæ
ben sebærm. (Bekas, 2005: 23)

پدرم تعریف کرد و گفت:

بعد از مرگِ عنبرِ خاتون بود

در عنفوانِ شاخه و ساقه و برگ بودم

تابستان بود، یکبار مولوی گذرش

1- prototype

2- embodied

3- R. W. Gibbs

به زیر سایه‌ام افتاد (شاسواری، ۲۰۱۳: ۵۱-۵۲).

پیش از بررسی نحوه شکل‌گیری مکان جهان متن در نمونه بالا، لازم است در مورد حکایت‌خوانی و بازگویی رویدادهای متن کرسی توضیحاتی آورده شود. در سرآغاز گفتمان کرسی، شیرکو بیکس بعد از معرفی خود به‌عنوان نگارنده اثر، از طریق جهان‌های زیرشمول معرفتی ساختار معماری اثر و همچنین افکار و ذهنیات خودش را معرفی می‌کند. از سرآغاز گفتمان کرسی به بعد خاطره‌گویی و بازگویی رویدادها از یک قهوه‌خانه کوچک در شهر سلیمانیه از زبان یک کرسی از زمانی که یک نهال درخت گردو در باغات اورامانت بوده، شروع می‌شود.

لایه جهان متن نمونه یک
عناصر جهان‌ساز
زمان: تابستانی در گذشته
مکان:
شخصیت‌ها: عنبر خاتون ^۱ ، مولوی ^۲
اشیاء: شاخه، ساقه، برگ

نمودار ۲- عناصر جهان‌ساز جهان متن در کرسی

عناصر جهان‌ساز در لایه جهان متن بالا به صورت نمودار ۲ نشان داده شده است. در این نمودار، جایگاه عنصر جهان‌ساز مکان خالی است. هر چند هیچ نام‌مکانی در قطعه بالا وجود ندارد، اما ایجاد مکان جهان متن از رهگذر گروه‌های اسمی عینی «عنبر خاتون» و «مولوی» که در جایگاه عنصر جهان‌ساز شخصیت قرار دارند، تحقق می‌یابد. هیچ‌یک از این گروه‌های اسمی «عنبر خاتون» و «مولوی» معنای مکان‌نمایی به‌گونه‌ای که ورث در نظر داشت، ندارند. اما با این وجود در جایی که این گروه‌های اسمی در معرض خواننده‌ای با دانش جغرافیا، تاریخ و فرهنگ گرد قرار گیرند، مکان جهان متن را برای آن خواننده بازنمایی خواهند کرد. گروه‌های

۱- معشوقه مولوی

۲- از شعرای برجسته کرد

اسمی «عنبر خاتون و مولوی» هر چند خالی از معنای مکان هستند، با وجود این، در ایجاد مکان جهان متن برای نمونه بالا از گفتمان کرسی سهیم هستند.

مکان جهان متن علاوه بر اینکه از رهگذر نام شخصیت‌های جهان متن بازنمایی می‌شوند، ممکن است از رهگذر عنصر زمان نیز بازنمایی شوند. به عنوان مثال نمونه‌های زیر را از کرسی در نظر بگیرید:

نمونه ۲:

læ særdæmi dræxtima
 roʒ hæbu, per bu læ dukæl
 læw darestanæ zelæda, hænasæman bo næ-ædra
 roʒ hæbu tæm wa ʔæniʃtæ sær dʒæstæman
 ʔæmanwet ʔiter mæhælæ dʒareki-ter hælse u berwa.
 ʃæw hæbu hæta bæjani gæla merduwækanman ʔæʒmard. (Bekas, 2013:31)

در ایام درختیم
 روز بود پُر از ملخ
 چشمانِ گردو را از حدقه در می‌آوردند!
 روز بود پر از دود
 در آن نیستان، نفس کشیدن دشوار می‌شد
 روز بود مه و میغ چنان بر هیکل مان می‌نشست
 می‌گفتیم دیگر محال است برخیزد و برود
 شب بود تا بامداد برگ‌های مرده را می‌شمردیم (شاسواری، ۲۰۱۳: ۸۷-۸۸)

بازنمایی عناصر جهان‌ساز نمونه ۲ با استفاده از معیارهای نشانه‌گذاری انگاره جهان‌های متن، در قالب نمودار به صورت نمودار ۳ در ذیل آمده است:

عناصر جهان‌ساز جهان متن بالا به صورت نمودار ۳ نشان داده شده است. در این نمودار، جایگاه عنصر جهان‌ساز مکان با گروه اسمی «نیستان» پر شده است. هنگامی که موقعیت مکانی جهان متن تا حدودی به این ترتیب مشخص شد، شیرکو بیکس به ارائه جزئیات بیشتری از مکان جهان متن می‌پردازد که در نمودار ۴ نشان داده می‌شود. بردارهای افقی در نمودار ۴ برای

نشان‌دادن فرایندهای رابطه‌ای است که در این جا به منظور نشان‌دادن ویژگی‌های مکان جهان متن استفاده شده است.

لایه جهان متن نمونه دو
عناصر جهان‌ساز زمان: گذشته (ایام درختی، بامداد، روز، شب) مکان: نیستان شخصیت‌ها: ضمایر شخصی متصل (م، یم)، گردو، برگ‌های مرده اشیاء: دود، ملخ، مه و میغ

نمودار ۳- عناصر جهان‌ساز جهان متن در کرسی

لایه جهان متن نمونه دو
عناصر جهان‌ساز روز ← بود پُر از ملخ روز ← بود پر از دود روز ← بود مه و میغ چنان بر هیکل مان می‌نشست شب ← بود تا بامداد برگ‌های مرده را می‌شمردیم

نمودار ۴- مکان جهان متن و ویژگی‌های آن در کرسی

این ارجاعات به زمان با فعال‌کردن قالب‌های دانشی که زمان‌ها را به مناظر خاص مرتبط می‌کند، به تعیین یا مشخص کردن مکان جهان متن کمک می‌کند. با توجه به جزییات ارائه‌شده در نمودار ۴، عناصر «روز و شب» بسان ظرفی در نظر گرفته شده‌اند که ملخ، دود، مه و میغ را در خود جای داده باشند و این گونه به بازنمایی مکان جهان متن کمک می‌کنند. یافته‌های به‌دست‌آمده از فرآیند جهان‌سازی گروه‌های اسمی حاکی از آن است که هر چند بخش عظیمی از بازنمایی مکان در کرسی از رهگذر گروه‌های اسمی با معنای مکان‌نمایی حاصل شده است، اما سایر گروه‌های اسمی فاقد معنای مکان‌نمایی نیز از رهگذر نام شخصیت‌های جهان متن و عنصر زمان جهان متن در بازنمایی مکان جهان متن کرسی نقش داشتند. بازنمایی مکان با گروه‌های اسمی با معنای مکان‌نمایی با استفاده از یافته‌های ورث

(۱۹۹۹) حاصل شد و بازنمایی مکان با گروه‌های اسمی فاقد معنای مکان‌نمایی با استفاده از یافته‌های لاهی (۲۰۰۶) از رهگذر بسط مبحث مقوله‌های شناختی سطح پایه و زیرشمول نظریه پیش‌نمونه در انگاره جهان‌های متن حاصل شد.

۲-۵ بازیابی عنصر مکان در کرسی با استفاده از گزاره‌های نقش‌گستر بر اساس یافته‌های لاهی (۲۰۰۶)

بعد از اینکه نحوه شکل‌گیری مکان جهان متن کرسی توسط عنصر جهان‌ساز مکان از رهگذر گروه اسمی مکان‌نما و همچنین شکل‌گیری آن با استفاده از عناصر جهان‌ساز زمان و شخصیت از رهگذر مقوله‌های شناختی بدست آمد، نوبت به بررسی نحوه شکل‌گیری مکان جهان متن کرسی با استفاده از گزاره‌های نقش‌گستر می‌رسد، قبل از ورود به این مبحث، چگونگی تکامل و گسترش قطعه‌ای از متن کرسی که در آن فاجعه شیمایی حلبچه به تصویر کشیده شده است، بررسی می‌شود. شایان ذکر است در بخش قبلی از عنصر جهان‌ساز زمان این قطعه برای بازنمایی مکان استفاده شد.

نمونه ۳:

læ særdæmi dræxtima
 roʒ hæbu, per bu læ kolæ
 ʃawî gewezjan dær ʔæhena
 roʒ hæbu, per bu læ dukæl
 læw darestanæ zelæda, hænasæman bo næ-ædra
 roʒ hæbu tæm wa ʔæniʃtæ sær dʒæstæman
 ʔæmanwet ʔiter mæhælæ dʒareki-ter hælse u berwa
 ʃæw hæbu hæta bæjani gæla merduwækanman ʔæzmard
 læ tersanda ʔæxzajnæ naw bawæʃi jækteræwæ. (Bekas, 2013: 31)

در ایام درختیم

روز بود پُر از ملخ

چشمانِ گردو را از حدقه در می‌آوردند!

روز بود پر از دود

در آن نیستان، نفس کشیدن دشوار می‌شد

روز بود مه و میغ چنان بر هیکل‌مان می‌نشست

می‌گفتیم دیگر محال است برخیزد و برود

شب بود تا بامداد برگ‌های مرده را می‌شمردیم

از ترسمان همدیگر را بغل می‌کردیم. (بیکس، ۲۰۱۳: ۸۷-۸۸)

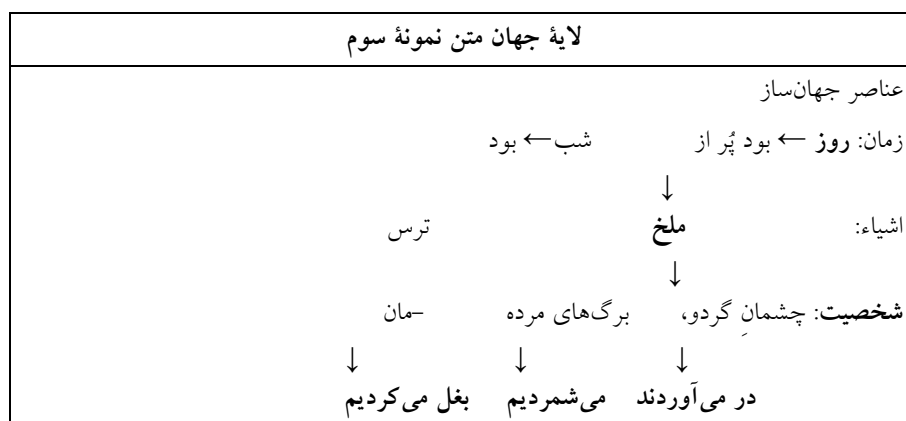
شیرکو بیکس گرچه در بطن فاجعه حلبچه حضور نداشت، اما رویدادها را آن‌گونه به تصویر کشیده است که گویی از نزدیک شاهد آن بوده است. وی برای اینکه فاجعه حلبچه را به تصویر بکشد، اشیاء و پدیده‌های طبیعی را انسان‌نگاری کرد؛ چون آن‌ها تنها شاهدان عینی واقعه بوده‌اند (ورزنده، ۱۴۰۰: ۳۳۷). کریم مجاور از مترجمان پُرکار آثار شیرکو به زبان فارسی بر این باور است که تشخیص و جان‌بخشیدن به اشیاء در کرسی به اوج خود می‌رسد.^۱ در اشعار او همیشه طبیعت حضور دارد، اما طوری از آن استفاده می‌کند که جای انسان را می‌گیرد. در متن کرسی در بخشی که در آن فاجعه حلبچه به تصویر کشیده شده است، «درخت گردو» جای ساکنان حلبچه را می‌گیرد، هواپیماها ملخ می‌شوند تا چشمان گردو را از حدقه درآوردند، گازهای شیمایی دود می‌شوند تا نفس‌کشیدن را دشوار کنند و برگ‌های درختان انسان‌های مُرده می‌شوند تا تعداد جان‌باختگان حلبچه را نشان دهند. هر چیزی که در طبیعت و مکان است در شعر شیرکو بیکس جان می‌گیرند تا همچون شخصیتی فعال در تمثیل‌ها و داستان‌های کوتاه و بلند او نقش‌آفرینی کنند (ورزنده، ۱۴۰۰: ۱۴).

عناصری که به‌عنوان عناصر جهان‌ساز در ساخت پس‌زمینه فاجعه حلبچه حضور دارند و همچنین گزاره‌های نقش‌گستری که روایت فاجعه حلبچه را به پیش می‌برند با استفاده از نمودار ۵ بازنمایی شده‌اند. این نمودار متفاوت‌تر از نمودار جهان متن ۳ است. در پایین نمودار ۵ چند بردار عمودی وجود دارد که نشان می‌دهد چگونه این جهان متن شروع به پیشروی فراتر از عناصر جهان‌ساز می‌کند. بردارهای عمودی همیشه در نمودارهای جهان متن برای نشان دادن فرایندهای مادی استفاده می‌شوند.

در نمودار جهان متن ۵، اشیاء جهان‌ساز انسان‌نگاری شده‌اند و نقش کنشگر را در فرایندهای مادی ایفا می‌کنند («ملخ چشمان گردو را در می‌آوردند»). همچنین ضمیر متصل «-یم» نقش کنشگر را برای دیگر فرایندهای مادی «می‌شمردیم» و «بغل می‌کردیم» ایفا می‌کند («-برگ‌های مرده را می‌شمردیم» و «از ترسمان همدیگر را بغل می‌کردیم»). از آن‌جا که اکثریت این بخش از متن به فرایندهای مادی مربوط می‌شود، بخش نقش‌گستر جهان متن بر بخش

۱- این نقل قول در کتاب شناختنامه شیرکو بیکس صفحه ۳۵۰ آمده است.

عنصر جهان‌ساز آن برتری دارد. هرگاه تمرکز اصلی یک گفتمان به مجموعه‌ای از رویدادها یا کنش‌ها تبدیل شود، عنصر جهان‌ساز جهان متن غالباً به مواردی تقلیل می‌یابد که نقش کنشگر یا کنش‌پذیر را در فرایندهای مادی مربوطه ایفا می‌کنند (گاوینر، ۲۰۰۷: ۵۹). به همین دلیل، مرسوم است که نمودارهای جهان متن مربوط به این گفتمان به دو بخش تقسیم شوند. عناصر جهان‌ساز معمولاً در بالای نمودار خلاصه می‌شوند و موارد اشاره‌ای را نشان می‌دهند که پس‌زمینه جهان متن را تشکیل می‌دهند. آن‌ها حضور خود را در جهان متن حفظ می‌کنند، در حالی که گزاره‌های نقش‌گستر که در بخش پایین نمودار نشان داده می‌شوند، در پیش‌زمینه بازنمایی ذهنی گسترش می‌یابند و بر اساس بخش‌های عناصر جهان‌ساز جهان متن کنش انجام می‌دهند و روابطشان را توسعه می‌دهند.



نمودار ۵- جهان متن در حال گسترش فاجعه حلبچه

در بخش مربوط به نحوه شکل‌گیری مکان جهان متن با استفاده از عنصر جهان‌ساز مکان در قطعه فاجعه حلبچه، مشخص شد که مکان جهان متن «نیستان» است. اگرچه عناصر جهان‌ساز: «ملخ، دود، مه، میخ، برگ‌های مرده» هستند که به خواننده از آمدن اتفاقی ناگواری خبر می‌دهند، اما این گروه‌های فعلی «در می‌آوردند، می‌شمردیم و بغل می‌کردیم» است که فاجعه حلبچه را پیشنهاد می‌کنند، به‌ویژه گزاره «بغل می‌کردیم» در «از ترسمان همدیگر را بغل می‌کردیم» که برای خواننده نماد شهیدان حلبچه^۱ را بازنمایی می‌کند. به این ترتیب گزاره‌های

۱- در فاجعه حلبچه عمر خاور یکی از شهروندان حلبچه در حالی که فرزندش شیرخوارش را در بغل داشت، جان داد و به نماد شهیدان حلبچه تبدیل شد.

نقش‌گستر در قطعه فاجعه حلبچه از طریق مشخص کردن ظاهر و احساس کلی یک منظر جهان متن، به ساخت مکان جهان متن کمک می‌کنند (لاهی، ۲۰۰۶: ۱۵۹).

لایه جهان متن		
عناصر جهان‌ساز		
زمان: گذشته (ایام درختی، بامداد، روز، شب)		
مکان: نیستان		
اشیاء: ملخ، دود، مه، میغ،		
شخصیت‌ها: چشمان گردو، برگ‌های مرده، مان		
گزاره‌های نقش‌گستر		
ملخ	یم	یم
↓	↓	↓
چشمان گردو،	برگ‌های مرده	ترس
↓	↓	↓
در می‌آوردند	می‌شمردیم	بغل می‌کردیم

نمودار ۶- گزاره‌های نقش‌گستر در کرسی

۶. نتیجه‌گیری

انگاره جهان‌های متن به مطالعه گفتمان برای اولین بار توسط ورث (۱۹۹۹)، پیش از انتشار آخرین پژوهش ویژه او در مورد چارچوب جهان‌های متن در سال ۱۹۹۹ طرح‌ریزی شد. از زمان مرگ ورث، این چارچوب در طیف وسیعی از محیط‌های گفتمانی مختلف، به‌ویژه در حوزه شعرشناسی شناختی که در آن از یافته‌های علوم شناختی در تحلیل متون ادبی استفاده می‌شد، به‌کار گرفته شد. ورث (۱۹۹۹) معتقد بود که عناصر جهان‌ساز و نقش‌گستر به روش‌های کاملاً متمایز به ساخت و توسعه جهان متن کمک می‌کنند، اما لاهی (۲۰۰۶) بر خلاف ورث (۱۹۹۹) بین عناصر جهان‌ساز و نقش‌گستر جهان متن تمایز قائل نبود و معتقد بود که اگرچه تمایز بین این دو عنصر گفتمانی به‌لحاظ نظری معنا پیدا می‌کند، اما در عمل همیشه این‌گونه به نظر نمی‌رسد که وظایف مربوط به جهان‌سازها و نقش‌گسترها به همان وضوحی که ورث (۱۹۹۹) پیشنهاد می‌کند، تفویض شده باشد. در این پژوهش، راه‌های ساخت مکان جهان

متن در متن کرسی بر اساس انگاره جهان‌های متن بررسی شد. یافته‌های حاصل از این پژوهش در بحث نقش عناصر جهان‌ساز در ساخت مکان جهان متن نشان داد که شیرکو برای بازنمایی مکان جهان متن کرسی متوسل به استفاده از نام مکان‌ها برای اشاره به شهرها، روستاها، نشانه طبیعی و مناطق جغرافیایی شده است. همچنین در غیاب نام مکان‌ها، شیرکو بر اساس سطح مقوله شناختی انتخاب شده، از رهگذر عناصر جهان‌ساز زمان و شخصیت موفق به بازنمایی مکان جهان متن در متن کرسی شده بود. در بخشی از متن کرسی که فاجعه حلبچه در آن به تصویر کشیده شده است، گروه‌های اسمی تا حدودی مکان جهان متن را مشخص کردند، اما در نهایت این گروه‌های فعلی بودند که از طریق مشخص کردن ظاهر و احساس کلی منظر جهان متن به شکل‌گیری مکان جهان متن کمک کردند. همچنین بازنمایی مکان در جهان متن کرسی اثر شیرکو با گروه‌های اسمی با معنای مکان‌نما و گروه‌های اسمی فاقد معنای مکان‌نمای ظاهری که در این پژوهش از رهگذر بررسی مقوله‌های شناختی، زمان و شخصیت مشخص شد، شواهد شناختی-شعری برای حمایت از ادعای شیرکو بیکس مبنی بر این‌که مکان و اسامی سطح وسیعی از آثار او را در برگرفته‌اند، ارائه داد.

۷. کاربرد نتایج این بررسی

شیرکو در برخی از آثارش از جمله دره پروانه‌ها، صلیب و مار و روزشمار شاعر و صندلی به موضوع حلبچه و انفال پرداخته بود، اما در هر یک از این آثارش به گونه‌ای متفاوت به این موضوع نگریسته است. از آن جایی که در ادبیات روش‌های گوناگونی برای بیان یک موضوع مشترک وجود دارد، انگاره جهان‌های متن با توجه به ابزار شناختی که در اختیار دارد می‌تواند با رمزگشایی از این گونه آثار، زوایای پنهان و نحوه شکل‌گیری آن‌ها را از دید پدیدآورنده و مخاطب اثر مشخص و سرشت واقعی آن را کشف و از دیگر آثار بازشناسد.

منابع فارسی

۱. افراشی، آریتا (۱۳۹۵). «تحلیل داستان در نظریه جهان متن: مطالعه موردی وداع اثر جلال آل احمد». *زبان و زبان‌شناسی* ۱۲ (۲۳): صص ۱۷-۳۸.

۲. بیکس، شیرکو (۱۳۸۶). «حلبچه‌ای در نروژ و دریای استکهلم». گوه‌ران، بهار: صص ۴۳-۴۸.^۱
۳. بیکس، شیرکو (۱۳۹۴). کرسی. تهران: آریو‌حان.
۴. بیکس، شیرکو (۱۳۹۴). آهو. تاران: تهران: آریو‌حان.
۵. بیکس، شیرکو (۱۳۹۴). بوی نامه. تهران: آریو‌حان.
۶. بیکس، شیرکو (۱۳۹۴). دره پروانه‌ها. تهران: آریو‌حان.
۷. بیکس، شیرکو (۱۳۹۴). رنگ‌نامه. تهران: آریو‌حان.
۸. بیکس، شیرکو (۱۳۹۴). صلیب و مار و روزشمار شاعر. تهران: آریو‌حان.
۹. بیکس، شیرکو (۱۳۹۴). کاوه آهنگر. تهران: آریو‌حان.
۱۰. بیکس، شیرکو (۱۳۹۴). گردنبند. تهران: آریو‌حان.
۱۱. بیکس، شیرکو (۱۳۹۴). مهمان پاییزی. تهران: آریو‌حان.
۱۲. بیکس، شیرکو (۲۰۱۳). صنایع. ترجمه سیامند شاسواری. سلیمانیه: چاپ و انتشارات سردم.
۱۳. بیکس، شیرکو (۱۳۹۶). مجموعه اشعار شیرکو بیکس. ترجمه رضا کریم‌مجاور. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
۱۴. صادقی اصفهانی، لیلا (۱۳۸۹). «بررسی عناصر جهان‌متن براساس رویکرد بوطیقای شناختی در یوزپلنگانی که با من دویده‌اند اثر بیژن نجدی». نقد ادبی، ۱۰(۳): صص ۱۳۴-۱۷۴.
۱۵. دهقان، مسعود؛ بهناز وهابیان؛ ابراهیم بدخشان و اکرم کرانی (۱۳۹۹). «شناسایی عنصر سازنده متن در داستان قضیه داستان باستانی یا رومان تاریخی». مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۹(۴): صص ۱۵۱-۱۲۹.
۱۶. گلفام، ارسلان؛ بلقیس روشن و فرزانه شیررضا (۱۳۹۱). «کاربرد نظریه جهان‌متن در شناسایی عناصر سازنده متن روایی داستان شازده احتجاب؛ بر مبنای شعرشناسی شناختی». جستارهای زبانی، ۵(۵): صص ۱۸۳-۲۰۶.

۱- چون نام مصاحبه‌کننده در عنوان مصاحبه ذکر نشده بود، از نام مصاحبه‌شونده به جای مصاحبه‌کننده استفاده شد.

۱۷. مرادی، محمد رئوف (۱۳۹۲). «دقت‌هایی در شعر شیرکو، آن غول زیبا». روزنامه اعتماد، ۳ شهریور: ص ۸.
۱۸. نظرییگی، مازیار (۱۳۹۲). «مرثیه‌سرای خورشید پاره‌پاره در سوگ امپراتور...». شعر نو ۲۱ شهریور، ۱۳۹۲. دسترسی در ۱۳۹۲/۶/۲۱. <https://shereno.com>
۱۹. ورزنده، امید (۱۴۰۰). *شناخت‌نامه شیرکو بیکس*. تهران: نگاه.
20. Gavins, J. (2007). *Text World Theory: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
21. Gavins, J. & Lahey, E. (2016). *World Building Discourse in the Mind*. London: Bloomsbury Academic.
22. Gibbs, R. W. (2003). "Prototypes in dynamic meaning construal". *Cognitive Poetics in Practice*. 27–40. London: Routledge.
23. Giovanelli, M. (2013). *Text World Theory and Keats' Poetry: The Cognitive Poetics of Desire, Dreams and Nightmares*. London: Bloomsbury Academic.
24. Lahey, E. (2003). "Seeing the forest for the trees in Al Purdy's Trees at the Arctic Circle". *BELL: Belgian Journal of Language and Literatures* 1: 73–83.
25. Lahey, E. (2006). "(Re)thinking world-building: locating the texts-worlds of Canadian lyric poetry". *Journal of Literary Semantics*. 35 (2):145-164.
26. Lahey, E. (2014). "Stylistics and text world theory". *The Routledge Handbook of Stylistics*. 284-96. London: Routledge.
27. Lahey, E. (2021). "Death by nature in two poems by Alden Nowlan". In *Language in Place. Stylistic perspectives on landscape, place and environment*. Amsterdam/ Philadelphia: John Benjamin Publishing Company.
28. Werth, P. (1999). *Text Worlds: Representing Conceptual Space in Discourse*. London: Longman.
29. Werth, P. (1995a) *How to Build a World* (in a Lot Less Than Six Days and Using Only What's in Your Head). In K. Green (ed.) *New Essays on Deixis: Discourse, Narrative, Literature*. Amsterdam: Rodopi, pp. 49-80.
30. Stockwell, P. (2002). *Cognitive Poetics: An Introduction*. London and New York: Routledge.

A Cognitivism Approach to Location in the Text World Layer of *Chair* by Shirko Bikas: An Analysis Based on Text Worlds Theory

Bahman Heidari¹

Ph.D. Candidate in Linguistics, Department of English Language and Literature,
Faculty of Humanities Razi University, Kermanshah, Iran

Amer Gheitury²

Associate Professor, Department of English Language and Literature, Faculty of
Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran

Masoud Dehghan³

Associate Professor, Department of English and Linguistics, Faculty of Language and
Literature, University of Kurdistan, Sanandaj, Kurdistan, Iran (Corresponding
Author)

Received: 16/07/2022

Accepted: 22/12/2022

Abstract

The present study is not only the first comprehensive study about a Kurdish poet using Text World theory, but also the first research of the formation of the location of the text world layer of *Chair* written by Shirko Bikas which has been done with the descriptive-analytic method and the aim of achieving the location of the text world of *Chair* based on Text World Theory. The data were selected and collected from Shirko's work titled *Chair*. Examining the formation of the text world of *Chair* using world-building elements and function-advancing propositions showed that the text world of *Chair* is represented through place names, and in the absence of place names, through the world-building elements of time and character. Also, one part of the representation of the location of the text world of *Chair* is obtained through the verbal phrases of function-advancing propositions. In addition, the representation of location in the text world of *Chair* provided cognitive-poetic evidence to support Shirko's claim that location and names cover a wide range of her works.

Keywords: text worlds theory, world-building elements, function-advancing propositions, Shirko Bikas, *Chair*

1- bahmanheidari90@gmail.com

2- gheitury@gmail.com

3- m.dehghan@uok.ac.ir



Authors retain the copyright and full publishing rights. This is an open access article distributed under article distributed under [Creative Commons Attribution 4.0 International License \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).